



* دکتر شوکت حیات

استاد یار، گروہ زبان فارسی، دانشگاه پنجاب، لاہور۔

دکتر نسیم الرحمن

استاد یار، گروہ زبان فارسی، دانشگاه پنجاب، لاہور۔

نعت پیامبر در شعر سعدی شیرازی

Dr. Shaukat Hayat

Assistant Professor, Department of Persian, University of the Punjab, Lahore.

Dr. Naseem ur Rehman

Assistant Professor, Department of Persian, University of the Punjab, Lahore.

*Corresponding Author: shaukat.persian@pu.edu.pk

Naat of the Prophet ﷺ in the poetry of Saadi Shirazi

Devotion and love to the Prophet of Allah Hazrat Muhammad ﷺ is a characteristic of every Muslim. Without love and devotion to the Messenger ﷺ, there is no fulfillment of faith. Naat, like other genres of poetry, first originated in the Arabic language. Naat in Persian started under the influence of Arabic language. Famous Persian poets like Abul Qasim Ferdowsi, Abu Saeed Abul Khair, Khaqani Shirwani, Hakeem Sanai Ghaznavi, Fariduddin Attar, Nizami Ganjavi, Maulana Jalaluddin Rumi, Saadi Shirazi, Amir Khusro, Urfi Shirazi, Abdul Rahman Jami and Qudsi Mashdi etc have specially included the subject of naat in their poetry. As the Persian language began to develop and the poetry began to be written in it, from that time, along with the other genres of poetry such as ghazal, masnavi, qasida, rubai etc, Naat has also been an important part of the Persian poetry. Thus began the endless series of Naatia Poetry in Persian which continues till now. Saadi Shirazi, who is a well-known Persian poet and also holds a prominent position in Sufism and mysticism,

has also written very beautiful poems in the field of Naat. In this paper, Natia poetry of Saadi Shirazi will be described.

Keywords: *Evolution of Naat in Persian Poetry, Muslim culture, Famous Persian Poets, Prophet of Allah, Kulyiat e Sadi, Gulista, Bostan.*

نعت کلمه ای عربی است که معنای لغوی آن حمد و ثنا است، اما در اصطلاح، کلمه نعت فقط برای حمد و ثنای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اختصاص دارد.

معنای لغوی نعت در مصباح اللغات چنین بیان شده است:

"نعت (ف) نعتاً: ستایش کردن، توصیف کردن (و اغلب برای صفات خوب استفاده می شود)." [مصباح اللغات، ص 887]

دکتر رفیع الدین اشفاق می نویسد:

"اصولاً هر قطعه منثور و منظومی که مربوط به مدح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم باشد، نعت نامیده می شود، اما وقتی واژه نعت در اردو و فارسی به کار می رود، معمولاً منظور از این مدح منظوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می باشد. [اشفاق، ڈاکٹر رفیع الدین؛ ص ۲۱]

هیئت خاصی برای نعت وجود ندارد. می توان آن را در هر صنف سخن نوشت، مانند قصیده، مثنوی، غزل، قطعه، رباعی، مخمس، مسدس و غیر آن.

نعت گویی در آغاز به زبان عربی شروع شد. نعت خواندن از زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آغاز شد و به مرور زمان رو به رشد و گسترش یافت. اولین کسی که زبانش را در ستایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باز کرد، عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ابو طالب است. ابن هشام در سیرة النبی هفت بیت از قصیده ای آورده است که در آن ابوطالب در اشعاری پرشور پیامبر اکرم را مدح کرده و ویژگی های خانواده خویش (بنو هاشم) را ذکر کرده است. [ابن هشام؛ ص 156]

تحت تأثیر عربی، نعت گویی به زبان فارسی هم آغاز شد. شاعران بزرگ زبان فارسی مانند ابوالقاسم فردوسی، ابوسعید ابوالخیر، خاقانی شروانی، حکیم سنایی، غزنوی، فریدالدین عطار، نظامی گنجوی، مولانا جلال الدین رومی، سعدی شیرازی،

امیر خسرو، عرفی شیرازی، عبدالرحمن جامیوقدسی مشهدی و غیر آن در کلام خود به شرح مدحت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پرداخته اند.

نعت گویی، عشق رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و عشق به مدینه، مضامین مورد علاقه شاعران هندی بوده است و بعد از شعر فارسی، بهترین و مؤثرترین نعت ها در اردو یافته می شود. [ندوی، سید ابو الحسن علی؛ ص 176]

اگرچه شعر فارسی در دوران اسلامی ایران از قرن سوم هجری قمری آغاز می شود، اما اشعار نعتیه در قرن ششم هجری قمری ظاهر می شود. از آن پس، تقریباً در تمام ادوار شعر فارسی، شاعران، نعت را موضوع سخن خود ساخته اند. در هر صنف سخن فارسی مضمون نعت با شخصیت کامل خود برجسته است. اگر قرار باشد که شاعران و سخنوران نعت گوی مربوط به هر دوره از ادبیات فارسی به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرند، حتی دفتر جداگانه هم کوتاه تر می باشد.

از این رو، ما در این مقاله فقط نعت و ستایش پیامبر در شعر سعدی شیرازی مورد بررسی قرار می دهیم. سعدی شیرازی شاعر بلند آوازه عارفی نیز به ذکر پیامبر اکرم چنان پرداخته است:

کریم السّجایا جمیل الشیم

نبیّ البرایا شفیع الامم

امام رسل پیشوای سبیل

امین خدا مهبط جبرئیل

شفیع الوری خواجه بعث و نشر

امام الهدی صدر دیوان حشر

کلیمی که چرخ فلک طور اوست

همه نورها پرتو نور اوست

شفیع، مطاع، نبی، کریم

قسیم، جسیم، نسیم، وسیم

[سعدی، بوستان، ص ۲۰۳]

در کلام سعدی شیرازی احترام و محبت به ذات پیامبر اکرم بشدت دیده می شود. توصیفات و تلمیحات عرفانی او در ادب فارسی کمتر نظیر دارد. می گوید:

امید رحمتست آری خصوص آن را که در خاطر

ثنای سید مرسل نبی محترم گردد

محمد کز ثنای فضل او برخاک هر خاطر

که بارد قطره ای در حال دریای نعم گردد

زبانرا در کش ای سعدی ز شرح علم او گفتن

چو در علمش چه دانی باش تا فردا علم گردد

[سعدی، مواعظ، ص ۴۱۱]

سعدی شیرازی یک شخصیت روحانی بود. از مطالعه حیات وی روشن می شود که دلش مملو از عشق سرور کونین، رسالت مآب، سردار الانبیاء بود و عشق به این چراغ رشد و هدایت هدف زندگیش بود. می گوید:

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پستی بان

چه باک از موج بحر آنرا که باشد نوح کشتی بان

[سعدی، گلستان، ص 29]

در شعر سعدی شیرازی مدحت حضرت خیر الانام بفر او ان آمده است و اشعار توصیفی وی باز تاب عشق و علاقه فوق العاده او با فخرالموجودات هستند. شعر را ملاحظه فرمایید. درینجا شاعر در طول شعر تنها یک انگیزه را پیش نظر داشته و آن انگیزه غیر از مدحت پیامبر اکرم چیزی دیگری نیست.

در نعت او زبان فصاحت که را رسد؟

خود پیش آفتاب چه پرتو دهد سها

[سعدی، مواعظ، ص ۴۰۲]

دل سعدی لبریز به محبت های برحق بود- لای به لای درکلامش اظهار
عقیدت به آن ذات اقدس مشاهده می شود-

ماه فروماند از جمال محمد
سرو نباشد به اعتدال محمد
قدر فلک را کمال و منزلتی نیست
در نظر قدر با کمال محمد
وعدۀ دیدار هر کسی به قیامت
لیله اسری شب وصال محمد
آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی
آمده مجموع در ظلال محمد
عرصه گیتی مجال همت او نیست
روز قیامت نگر مجال محمد
وآنهمه پیرایه بسته جنت فردوس
بو که قبولش کند بلال محمد
همچو زمین خواهد آسمان که بیفتد
تا بدهد بوسه بر نعال محمد
شمس و قمر در زمین حشر نتابد
نور نتابد مگر جمال محمد
شاید اگر آفتاب و ماه نتابند
پیش دو ابروی چون هلال محمد
چشم مرا تا به خواب دید جمالش

خواب نمی‌گیرد از خیال محمد

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی

عشق محمد بس است و آل محمد

[سعدی، مواعظ، ص ۴۱۳]

عشق پیامبر و عشق خانواده پیامبر در رگ و ریشه سعدی رسوخ کرده بود. هر وقتی که درمورد پیامبر و خانواده پیامبر صحبت می‌کند، از شدت عاطفه و احساس شعرش پر می‌شود. می‌گوید:

خدایا به حق بنی فاطمه

که بر قولم ایمان کنم خاتمه

اگر دعوتم رد کنی ور قبول

من و دست و دامان آل رسول

[سعدی، بوستان، ص ۲۰۳]

ذات اقدس پیامبر اکرم باعث تخلیق کاینات است یعنی جان از جهان برین به جهان فرودین یا عالم کثرت آمد. نبی اکرم سردار تمام مخلوق است. در تعریف و ستایش پیامبر اکرم شاعران ذکر شده مزید چنین پرداخته اند:

بلغ العلی بکماله

کشف الدجی بجماله

حسننت جمیع خصاله

صلوا علیه و آله

[سعدی، گلستان، ص 29]

سعدی شیرازی در ستایش پیامبر اکرم چنین پرداخته است:

چو مرد رهرو اندر راه حق ثابت قدم گردد

وجود غیر حق در چشم توحیدش عدم گردد
کمر بندد قلم کردار سر در پیش و لب بر هم
به هر حرفی که پیش آید به تارک چون قلم گردد
ز چوگان ملامت نادر آن کس روی برتابد
که در راه خدا چون گوی سر تا سر قدم گردد
سم یکران سلطان را در این میدان کسی ببند
که پیشانی کند چون میخ و همچون نعل خم گردد
تو خواهی نیک و خواهی بد کن امروز ای پسر کاینجا
عمل گر بد بود و نیک بر عامل رقم گردد
مبین کز ظلم جباری، کم آزاری ستم ببند
ستمگر نیز روزی کشته تیغ ستم گردد
در این گرداب بی پایان منه بار شکم بر دل
که کشتی روز طوفان غرقه از بار شکم گردد
به سعی ای آهنین دل مدتی باری بکش کآهن
به سعی آینه گیتی نما و جام جم گردد
تکاپوی حرم تا کی، خیال از طبع بیرون کن
که محرم گر شوی، ذاتت حقایق را حرم گردد
کبایر سهمگین سنگیست در ره مانده مردم را
چنین سنگی مگر دایر به سیلاب ندم گردد
غمی خور کان به شادی های بی اندازه انجامد

جو بی عقلان مرو دنبال آن شادی کہ غم گردد

[سعدی، مواظ، ص 711]

ستایش پیامبر اسلام نیز مورد توجه شاعران هر زبان بویژه فارسی گوی بوده است و درین زمینه سعدی شیرازی جایگاه برجسته ای دارد. شاعران دیگر نیز شیفتگی و وارفتگی و عشق و علاقه وی نسبت به پیامبر گرامی را نشان داده است. سعدی شیرازی به ذکر پیامبر اکرم پرداخته است:

خدایا گر تو سعدی را برانی

شفیع آرد روان مصطفی را

محمد سید سادات عالم

چراغ و چشم جمله انبیا را

[سعدی، مواظ، ص 784]

نعت النبی المصطفیٰ لما عفی رسم الصفا

تهدی به اوصافنا برشاده سبل لا عم

ای قوت دلها گفت او مهر هدی بر کفت او

ما نام قلبی جفت او فخر عرب نور عجم

صلی علیه الله ما ضانت مصابیح السما

بل زاد خیر کاتما الحی به خیر الامم

عقل آشنای کوی او دل خیر بادی سوی او

جانها فدای روی او او محتشم او محترم

[سعدی، مجالس پنجگانه، ص 795]

عشق رسول جزو ایمان هر صاحب ایمان است و بدون عشق پیامبر دین و ایمان هیچ مسلمان تکمیل و پخته نمی شود بلکه ناتمام و خام می ماند. پیش هر مسلمان ذات

بابرکت سید المرسلین، خاتم النبیین، فخر موجودات، سرور کائنات حضرت محمد مصطفیٰ منتهای کمال و ارتفاع مقام رسالت و نبوت است. سعدی می گوید:

چندین هزار سکه پیغمبری زده
اول به نام آدم و آخر به مصطفی
الهامش از جلیل و پیامش ز جبرئیل
رایش نه از طبیعت و نطقش نه از هوی
در نعت او زبان فصاحت که را رسد؟
خود پیش آفتاب چه پرتو دهد سها؟
دانی که در بیان اذا الشمس کورت
معنی چه گفته‌اند بزرگان پارسا؟
یعنی وجود خواجه سر از خاک بر کند
خورشید و ماه را نبود آن زمان ضیا
ای برترین مقام ملانک بر آسمان
با منصب تو زیرترین پایه علا
شعر آورم به حضرت عالیت زینهار
با وحی آسمان چه زند سحر مفتری؟
یارب به دست او که قمر ز آن دو نیم شد
تسبیح گفت در کف میمون او حصا
کافتادگان شهوت نفسیم دست گیر

ارفق بمن تجاوز و اغفر لمن عصا

[سعدی، موعظ، ص 702]

حدیث قدسی است: "لولاک لما خلقت الافلاک" [ما بخاطر تو کاینات را تخلیق کرده ایم]- در توصیف و ستایش پیامبر اکرم آیاتی بسیار در قرآن حکیم آمده است که نشان دهنده ارفع ترین معیار مدحت است که دست رسی بآن برای هیچ آدم زاد امکان ناپذیر است. سعدی در مدحت رسول مقبول می گوید:

چه کم گردد ای صدر فرخنده پی
ز قدر رفیعت به درگاه حی
که باشند مثنی گدایان خیل
به مهمان دارالسلامت طفیل
خدایت ثنا گفت و تجیل کرد
زمین بوس قدر تو جبریل کرد
بلند آسمان پیش قَدَرَت خجل
تو مخلوق و آدم هنوز آب و گل
تو اصل وجود آمدی از نخست
دگر هرچه موجود شد فرع توست
ندانم کدامین سخن گویمت
که والاتری ز آنچه من گویمت
تو را عز لولاک تمکین بس است
ثنا تو طه و یس بس است
چه وصفت کند سعدی ناتمام؟
علیک الصلوة ای نبی السلام

[سعدی، بوستان، ص ۲۰۳]

از مطالعہ کلام سعدی شیرازی این حقیقت بطور کلی آشکار می شود که وی برای ذات پرنور حضرت پیامبر اکرم هم آن مقام های اعلی و ارفع پیشنهاد می کند که ذکر آنان در قرآن و حدیث و دیگر کتب مذهبی آمده است. در شعر وی چراغ های محبت و عقیدت رسول اکرم روشن دیده می شود و در شعرش می توان بوی خوش عواطف و احساسات را استشمام کرد.

کتاب شناسی

- سعدی، مصلح الدین عبدالله؛ (۱۳۶۴ش)، کلیات سعدی، به اهتمام محمد علی فروغی، انتشارات امیر کبیر، تهران
- بلیاوی، مولوی عبدالحفیظ؛ مصباح اللغات، ایچ ایم سعید اینڈ کمپنی، لاهور، ص 887
- اشفاق، ڈاکٹر رفیع الدین؛ (1976ء)، اردو کی نعتیہ شاعری، اردو اکیڈمی، سندھ، ص ۲۱
- ابن ہشام، سیرة النبی، طبع بیروت، ج 1، ص 156
- ندوی، سید ابو الحسن علی؛ کاروان مدینہ، مجلس تحقیقات و نشریات اسلام، ندوہ، لکھنؤ، ص 176